

مشاهده الگوی تعامل مادران ایرانی در یک موقعیت بازی با کودک

Observing Iranian Mother-Child Interaction in a Playing Situation

H. Zare, M.Sc.

حمیده زارع ✉

کارشناسی ارشد روان‌شناسی خانواده‌درمانی، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

K. Tahmassiyan, Ph.D.

دکتر کارینه طهماسیان

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

Sh. Pakdaman, Ph.D.

دکتر شهلا پاکدامن

استادیار دانشکده روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

N. Davari Ardakani, Ph.D.

دکتر نگار داوری اردکانی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی

T. Rahimi, B.S.

طاهره رحیمی

کارشناسی روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی

دریافت مقاله: ۹۴/۲/۳۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۴/۱۱/۱۰

پذیرش مقاله: ۹۴/۱۱/۱۲

Abstract

Extensive studies in the fields of culture and parenting in recent years have shown that parent's goals and values of parenting lead to differences in their parental behaviors. This study was designed to observe Iranian mothers' interaction with their children in a playing situation. This study was a qualitative study in which 30 pairs of mothers and children (15 girls and 15 boys) were selected purposely.

چکیده

در سال‌های اخیر مطالعات گسترده در زمینه فرهنگ و والدگری نشان داده که اهداف و ارزش‌های فرزندپروری والدین منجر به تفاوت‌هایی در رفتارهای والدگری آن‌ها خواهد شد. پژوهش حاضر با هدف مشاهده الگوی تعامل مادران ایرانی در یک موقعیت بازی طراحی شد. پژوهش از نوع مطالعات کیفی بوده و ۳۰ زوج مادر و کودک (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) به صورت هدفمند انتخاب شدند.

✉ Corresponding author: Iran, Tehran, Shahid Beheshti University, Faculty of Education & Psychology, Family Research Institute.
Tel: +98-09124069552
Email: Hamide.zare67@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۹۱۲۴۰۶۹۵۵۲
پست الکترونیکی: Hamide.zare67@gmail.com

To observe the parent-child interaction, a playing situation was designed and recorded by video camera. Observational data were analyzed based on qualitative analysis methods. Through coding and categorizing the observed data of the parent-child interaction, verbal (positive, negative and facilitator) and nonverbal (positive, negative and communicative) behavioral patterns were extracted and named by the investigator. Based on scoring the determined codes, facilitator verbal behaviors and negative nonverbal behaviors were the most frequent. The mothers' behavior that facilitated child's playing process and diminished child's practical and mental activities were named facilitator behaviors, and were the most frequent among Iranian mothers. Based on the same previous research, Iranian mothers' parenting behaviors are similar to those of Japanese, Chinese and Latin mothers rather than American, British and Australian mothers.

Keywords: Parenting, Interaction pattern, Iranian Mothers.

برای مشاهده تعامل مادر - کودک، یک موقعیت بازی طراحی و توسط دوربین فیلم برداری ثبت شد. داده‌های مشاهده‌ای بر اساس روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی مورد بررسی قرار گرفتند. از طریق کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌های مشاهده‌ای، الگوهای رفتاری کلامی (مثبت، منفی و تسهیل‌گرانه) و غیرکلامی (مثبت، منفی و ارتباطی) در تعامل والد-کودک استخراج، و توسط پژوهشگر نام‌گذاری شدند. بر اساس نمره‌گذاری کدهای مشخص شده، رفتارهای کلامی تسهیل‌گرانه و رفتارهای غیرکلامی منفی بیشترین فراوانی را داشتند. مجموعه رفتارهای مادران که جریان بازی را برای کودک تسهیل و از فعالیت عملی و ذهنی او می‌کاهد رفتارهای تسهیل‌گرانه نام‌گذاری شدند، که این رفتارها بیشترین فراوانی را در میان مادران ایرانی داشتند. بر اساس پژوهش‌های مشابه انجام شده، رفتار والدگری مادران ایرانی به فرهنگ‌های ژاپنی، چینی و لاتینی شباهت بیشتری نسبت به مادران آمریکایی، بریتانیایی و استرالیایی داشت.

کلیدواژه‌ها: والدگری، الگوی تعامل، مادران ایرانی.

مقدمه

تمام مراحل رشد در انسان از اهمیت خاصی برخوردار است، اما سال‌های آغازین زندگی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین دوره در مراحل رشد است؛ چرا که سریع‌ترین دوره رشدی مغز و سیستم عصبی در ۳ تا ۵ سالگی کودک رخ می‌دهد (مک گرگور، پاول، ویکر و هایمس^۱، ۱۹۹۱). از سویی دیگر تحقیقات نورویبولوژیک نشان می‌دهند رشد فیزیکی مغز با تجربه‌های هیجانی اولیه به ویژه تعاملات اولیه کودک مرتبط است (مانتیم^۲، ۲۰۰۶) که در میان این تعاملات در سال‌های اولیه زندگی، قوی-

ترین منبع برای سازمان دادن به تجارب کودک است (کوچنسکی^۳، ۲۰۰۲). با توجه به اهمیت رابطه مادر - کودک، این موضوع مورد توجه تحقیقات بسیاری قرار گرفت (برونستین و کوت^۴، ۲۰۰۱). از نتایجی که محققان در مطالعات فراوان خود روی رابطه والد - کودک دست یافتند، این است که برای درک مسیر کامل فرزندپروری لازم است نیروهایی که فرزندپروری را شکل می‌دهد و بر رابطه والد - کودک اثر می‌گذارد را سنجید، چرا که توجه به این نیروها، افق دید محققان را در مطالعه رابطه والد - کودک گسترش می‌دهد (روبین و چونگ^۵، ۲۰۰۵). در میان این نیروهای اثرگذار، فرهنگ نقش اصلی و فراگیر را بازی می‌کند (برونستین و زلونیتیک^۶، به نقل از روبین و چونگ، ۲۰۰۵).

مطالعات نشان می‌دهند که والدین در فرهنگ‌های مختلف، با نگرش‌ها و باورهای متفاوتی که از فرهنگ‌شان درونی کرده‌اند، کودکان خود را به طور متفاوتی پرورش می‌دهند و با آن‌ها رفتار می‌کنند (بارتکوسکی، اکس یو و لوین^۷، ۲۰۰۸). برای مثال نتایج یک مطالعه بین‌فرهنگی نشان داد که باور مادران استرالیایی از یک کودک ایده‌آل، کودکی خلاق و باهوش است، در حالی که باور مادران ژاپنی، کودکی مودب و دارای مهارت‌های اجتماعی است. در نتیجه مادران استرالیایی در تعامل با فرزندان‌شان، آزادی بیشتری را در اختیار آن‌ها می‌گذارند، اما مادران ژاپنی رهنمودی‌تر رفتار می‌کنند (روبین و چونگ، ۲۰۰۵).

هم‌چنین در جامعه ایران سیدموسوی، مظاهری و قنبری^۸ (۱۳۸۹) پژوهشی بر اساس پژوهش روزبام^۹ و همکاران (به نقل از سیدموسوی و همکاران، ۱۳۸۹) انجام دادند که خلق مثبت و شیطنت در کودکی از ویژگی‌های خوشایند ادراک شده از مادران ایرانی بود. بر این اساس والدین در جوامع مختلف بر مبنای باورهای گوناگون خود که ریشه در فرهنگ‌شان دارد، در چگونگی رفتار با کودکان - شان، چگونگی تربیت آن‌ها و این‌که کدام یک از رفتار آن‌ها را تأکید و کدام یک را محدود کنند، متفاوت هستند (برونستین و کوت، ۲۰۰۶). کودکان از طریق تعامل با والدین‌شان با دنیای درونی و بیرونی خود آشنا می‌شوند. به همین دلیل رشد مطلوب کودک وابسته به تعاملی است که با والدین خود دارند (شرودر و گوردن^{۱۰}، ۲۰۰۶؛ ترجمه فیروزبخت). فراتر از تفاوت‌های فرهنگی و تعامل متفاوت والد - کودک در کشورهای مختلف، الگوی تعامل والد - کودک برای رشد مطلوب کودک عبارت است از مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده‌ای که می‌تواند به عنوان شاخص رشد دلبستگی ایمن و یا مرزهای هیجانی باشد که در آن احساس امنیت با ارتباط بین مراقبت‌کننده و کودک در ارتباط است (داکسون و استادلر^{۱۱}، به نقل از آود^{۱۲}، ۲۰۰۹).

توصیف دیگر الگوی تعاملی بهینه بین والد و کودک توسط ویجیل و هاو - فرولیچ^{۱۳} (۲۰۰۴) ارائه شده است که بر اساس این الگو، رفتارها و تعاملات فراگیر والدین عبارتند از: توجه به کودک و هر آنچه متعلق به اوست؛ توجه به بازی کودک و صحبت با او و توجه به هر آنچه کودک با آن

درگیر است. تماس با کودک و هر آنچه متعلق به اوست؛ لمس کردن کودک یا تماس با او و اشیای او هنگام بازی و تعامل با کودک و ارتباط کلامی در حالت‌های مختلف والد با کودک. نوع رفتار والدین منجر به تفاوت در رشد کودک و نوع عملکرد بزرگسالی او خواهد شد (کوهن^۴، به نقل از دارلینگ و استینبرگ^{۱۵}، ۱۹۹۳). بنابراین فرهنگ‌های مختلف، افرادی متفاوت با شخصیت‌های متفاوت پرورش می‌دهند (روبین و چونگ، ۲۰۰۵). به همین منظور موضوع مورد اهمیت این است که مادران ایرانی چگونه هستند، چه ویژگی‌هایی دارند و غالباً چگونه با کودکان خود رفتار می‌کنند. بنابراین آگاهی یافتن از ویژگی‌های خاص رفتاری مادران ایرانی و دستیابی به نقاط قوت و ضعف والدگری و مادران ایرانی حائز اهمیت است. قابل توجه است که از مؤثرترین و کارآمدترین روش‌ها برای ارزیابی کیفیت تعامل والد - کودک، مشاهده آن‌ها در موقعیت طبیعی است. البته یکی از این موقعیت‌ها، فضای بازی مادر و کودک می‌باشد (گیتلین - وینر، سنگرود و شافر^{۱۶}، ۲۰۱۰؛ ترجمه محمداسماعیل و رحمانی رسا).

هم‌چنین استفاده از بازی به عنوان وسیله‌ای برای ارزیابی تعاملات مادر و کودک بر اساس دو گروه از شواهد تجربی می‌باشد: گروهی که از اهمیت بازی در تعامل مادر و کودک و گروهی که از وجود ارتباط بین بازی و پرورش توانایی‌هایی کودک حمایت می‌کنند. این دو گروه از شواهد، افزایش سطح تکامل بازی مادر - کودک را هم به توانایی کودک و هم به کیفیت رابطه بین مادر و کودک وابسته می‌دانند (گیتلین - وینر و همکاران، ۲۰۱۰؛ ترجمه محمداسماعیل و رحمانی رسا). به همین دلیل در این پژوهش قصد بر آن است، تعامل مادران ایرانی با کودک خود در یک موقعیت نیمه ساختار یافته بازی میان مادر و کودک مشاهده و مورد تحلیل قرار گیرد.

روش

طرح پژوهش: از آن‌جا که در پژوهش حاضر به منظور گردآوری اطلاعات، یکی از روش‌های پژوهش کیفی؛ یعنی مشاهده آشکار استفاده شده است، از این رو این پژوهش از نوع مطالعات کیفی و توصیفی بود.

آزمودنی‌ها: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مادران و کودکان ۳ تا ۵ ساله بود که در مناطق ۲ و ۵ شهر تهران زندگی می‌کردند و از لحاظ اجتماعی در طبقه متوسط جامعه قرار داشتند. حجم نمونه در مطالعات کیفی بر اساس قانون اشباع و تصمیم پژوهشگر در طول پژوهش تعیین می‌شود، بر اساس قانون اشباع نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهشگر به موارد زاید برسد، بر این اساس حجم نمونه در این پژوهش ۳۰ زوج مادر و کودک انتخاب گردید که از میان آن‌ها ۱۵ کودک دختر و ۱۵ کودک پسر بودند. در این پژوهش، نمونه‌گیری به صورت غیرتصادفی هدفمند انجام گرفته است، بر این اساس که از طریق مهدکودک‌ها و معرفی دوستان و آشنایان، به شناسایی

مادرانی که ویژگی‌های تعیین شده در جامعه آماری را داشتند، پرداخته شد. پس از توافق با مادر مبنی بر انجام پژوهش، پرسش‌نامه دل‌بستگی بزرگسالان در اختیار مادران قرار داده شد، برای همگنی نمونه‌های پژوهش، تنها شرط ادامه پژوهش با مادر به دست آوردن نمره دل‌بستگی ایمن بود و چنانچه نمره دل‌بستگی نایمن و دوسوگرا کسب کردند از ادامه پژوهش با آن مادر خودداری شد.

ابزار

ابزارهای سنجش در این پژوهش شامل؛ پرسش‌نامه دل‌بستگی بزرگسالان و مشاهده آشکار می‌باشد که به توضیح هر یک از آن‌ها به تفصیل پرداخته می‌شود.

پرسش‌نامه سبک دل‌بستگی بزرگسالان^{۱۷}: پرسش‌نامه سبک دل‌بستگی بزرگسالان، یک ابزار خودگزارش‌دهی است که توسط هازان و شیور در سال ۱۹۸۷ ساخته شده است. این پرسش‌نامه مشتمل بر دو بخش است که در بخش اول بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای از نوع لیکرت، آزمودنی در مورد ۳ توصیف ارائه شده، وضعیت خود را در مورد میزان تطابقتش با هر توصیف که بیانگر یک سبک دل‌بستگی است، مشخص می‌کند و در بخش دوم، نوع سبک دل‌بستگی خود را با توجه به همان ۳ توصیف ارائه شده تعیین می‌کند. این سه جمله، سه توصیفی از احساسات فرد درباره راحتی و نزدیکی و صمیمیت در روابط است (مؤیدفر، آقامحمدیان و طباطبایی^{۱۸}، ۱۳۸۶).

نمره‌گذاری بخش اول پرسش‌نامه (AAQ1) براساس علامتی که آزمودنی در پاسخ نامه خود برای هر توصیف زده است صورت می‌گیرد؛ به این طریق به دایره ۱ یعنی «کاملاً مخالفم» نمره صفر، تا «حدی مخالفم» نمره یک و به همین طریق به دایره ۷ یعنی «کاملاً مخالفم» نمره ۶ تعلق می‌گیرد. به این صورت مقیاس رتبه‌ای لیکرت به نمرات و استفاده از مقیاس فاصله‌ای در تحلیل به کار برده می‌شود. همچنین نمره‌گذاری بخش دوم پرسش‌نامه (AAQ2) با توجه به ۳ توصیفی که بایستی در این بخش مورد قضاوت آزمودنی قرار گیرد ۳ نمره به دست می‌آید که نمره اولین توصیف میزان دل‌بستگی اجتماعی (AV)، دومین توصیف میزان دل‌بستگی اضطرابی - دوسوگرا (An) و سومین آن‌ها میزان دل‌بستگی ایمنی‌بخش (S) را نشان می‌دهند.

هماهنگی درونی این سه توصیف در حد بالا نشان‌دهنده این است که هر توصیفی، موضوعی متفاوت از توصیف دیگر را بررسی می‌کند. با بررسی میزان همبستگی سه توصیف ذکر شده در پرسش‌نامه روی ۱۰۰ نفر (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) دبیرستانی، روایی واگرا که نوعی روایی سازه است نشان می‌دهد که این سه توصیف سه محتوای متفاوت از نظر دل‌بستگی را می‌سنجد، چرا که همبستگی دل‌بستگی ایمن با نایمن اجتنابی ۱۰٪- و با نایمن دوسوگرا ۵۴٪ و همبستگی نایمن اجتنابی و نایمن دو سوگرا ۱۴٪ یعنی بسیار پایین می‌باشد. ثبات آزمون - آزمون مجدد AQQ1 برابر ۶۰٪ و برای AQQ2 برابر ۷۰٪ (معادل r پیروسون ۴۰٪) بوده است. (بالدوین^{۱۹}، به نقل از

پاکدامن^{۲۰}، ۱۳۸۳). در تحقیقی که توسط پاکدامن (۱۳۸۳) روی یک نمونه ۱۰۰ نفری (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انجام گرفت، اعتبار آن توسط آزمون - آزمون مجدد روی این نمونه به ترتیب برای دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا، اجتنابی و ایمن‌بخش برابر ۷۲٪، ۵۶٪ و ۳۷٪ و میزان آلفای کرونباخ نیز برابر ۷۹٪ به دست آمد که میزان اعتبار نسبتاً بالایی را نشان می‌دهد.

مشاهده آشکار: در تمام تحقیقات کیفی، مشاهده به عنوان روشی اصلی، زیربنایی و سرنوشت‌ساز به حساب می‌آید. چرا که پژوهش‌های مبتنی بر مشاهده در توصیف و ساخت نظریه‌ها نقش بااهمیتی ایفا می‌کنند (مارشال و راسمن^{۲۱}، ۲۰۰۷؛ ترجمه پارسانیا و عربی). همچنین نتایج پژوهش‌ها نشان دادند که مطالعات با روش مشاهده‌ای قدرت وضوح و پیش‌بینی فرضیه‌ها را افزایش می‌دهند (حسن‌زاده^{۲۲}، ۱۳۸۹). براساس هدف این پژوهش یعنی «مشاهده تعامل مادران ایرانی» یک موقعیت مشاهده‌ای نیمه سازمان یافته آشکار ترتیب داده شده است. چرا که مطالعات نشان داده‌اند مؤثرترین و کارآمدترین روش برای ارزیابی تعامل والد - کودک، مشاهده آن‌ها در موقعیت طبیعی است که یکی از این موقعیت‌ها، فضای بازی مادر و کودک می‌باشد.

بنابراین در این پژوهش تعامل مادر و کودک طی ۲۰ دقیقه بازی با یکدیگر، از طریق یک دستگاه ضبط‌کننده ویدئویی به منظور بررسی دقیق ثبت شد. سپس طبق برخی از روش‌های تحقیق کیفی مشاهده‌ای (صادقی، مظاهری و موتابی^{۲۳}، ۱۳۸۹)، پژوهشگر بدون این‌که فهرست دقیقی از آن‌چه مشاهده خواهد کرد در دست داشته باشد و تنها با مطالعات قبلی در رابطه با تعامل بهینه والد - کودک به مشاهده تعاملات و گفت‌وگوهای ضبط شده پرداخت، سپس پژوهشگر پس از شناسایی و کدگذاری رفتارهای تکراری درصدد فهرست‌بندی آن‌ها بر اساس معانی یکسان در غالب مقوله‌ها برآمد و در مرحله‌های بعد آن‌چه به دست آمده را جهت نمره‌گذاری مورد مشاهده دقیق قرار داد تا برخی از رفتارها و روابط تکرار شده را به عنوان الگویی برای آن موقعیت مشاهده مطرح نماید. در جداول ۱ و ۲ در بخش یافته‌ها، کدها، مقوله‌ها و همچنین الگوهای حاصل از تحلیل کیفی داده‌های مشاهده آمده است.

هم‌چنین به منظور فراهم آوردن پایایی درونی مشاهده؛ پژوهشگر از یک فرد دیگر به عنوان مشاهده‌گر مستقل درخواست نمود، تا موارد مورد مشاهده توسط پژوهشگر را به صورت تصادفی انتخاب کند و به مشاهده مجدد آن‌ها بپردازد تا در صورت بروز اختلاف احتمالی بین ثبت مشاهده‌گر مستقل با پژوهشگر، دوباره مورد بررسی پژوهشگر قرار گیرد.

اسباب بازی‌های تسهیل‌گر فرآیند تعامل والد - کودک: به منظور تسهیل فرآیند تعامل بین مادر و کودک اسباب‌بازی‌هایی فراهم آمد؛ این اسباب‌بازی‌ها عبارت بودند از: ظروف آشپزخانه پلاستیکی (همانند؛ سرویس چای‌خوری، گاز، چندین قابلمه، دو قاشق و کارد...)، یک توپ

پلاستیکی به شکل هندوانه، یک تفنگ پلاستیکی، دو عروسک انسان گونه دختر و پسر، دو عروسک خرسی دختر و پسر، لگوهای ساختمان سازی، دو عدد ماشین.

روند اجرای پژوهش: به منظور فراهم کردن یک موقعیت طبیعی برای مشاهده تعامل مادر - کودک، یک فضای بازی میان مادر - کودک طراحی گردید. به همین جهت اسباب بازی هایی که تسهیل گر فرآیند تعاملی بین مادر و کودک بودند در اختیار آنها قرار داده شد. همچنین با توجه به محدودیت مکانی در پژوهش و یکسان سازی شرایط پژوهش برای تمام آزمودنی ها، خانه آزمودنی برای جمع آوری داده ها و مشاهده تعامل مادر - کودک انتخاب گردید. در ابتدا پس از انتخاب فضایی مناسب، اسباب بازی هایی یکسان برای تمام آزمودنی ها قرار داده شد و دوربین فیلم برداری نیز در مکانی مناسب برای انجام فیلم برداری جاسازی شد، سپس از مادران با این دستورالعمل یکسان که «با کودک خود به طور عادی مشابه با آنچه همیشه انجام می دهید به مدت ۲۰ دقیقه بازی کنید» درخواست شد تا با کودک خود بازی کنند.

همچنین داده های ضبط شده تعامل والد - کودک توسط دوربین فیلم برداری روی کاغذ ثبت گردید. پژوهشگر به خواندن و بازخوانی یادداشت ها و مشاهده مکرر فیلم ها پرداخت و تا بتواند تعاملی پویا با داده ها برقرار نماید. سپس به کدگذاری داده ها و قرار دادن کدها در یک واحد معنایی به مقوله بندی داده ها اقدام نمود. در نهایت مجموع مقوله ها را در قالب الگوهای رفتاری دسته بندی کرد (شرح کامل کدها، مقوله ها و الگوهای رفتاری در بخش یافته ها آمده است). از دو روش برای نمره گذاری داده مشاهده استفاده شد. یکی، روش نمره گذاری رسم خط یا ثبت فراوانی برای وقوع تعداد رفتارهای کلامی و غیرکلامی مشخص و قابل تفکیک (مثل دستور دادن یا درخواست کردن) و روش دیگر، روش ثبت فاصله ای است که برای نمره گذاری رفتارهایی به کار رفت که به دشواری می توان آنها را به واحدهای مجزا تجزیه کرد (مثل تماس چشمی و گوش دادن فعال) (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹؛ گال، بورگ و گال^{۲۴}، ۲۰۰۸). روش ثبت فاصله ای بدین طریق است که برای هر متغیر، تعداد فواصلی را که رفتار مورد مشاهده رخ می دهد، بر تعداد کل فواصلی که برای تمام متغیرها ثبت شده بود، تقسیم نمود. در این پژوهش رفتارهای غیرکلامی ارتباطی در فواصل زمانی ۳۰ ثانیه ای ثبت گردید. نتیجه این محاسبه یک رقم درصدی است، به نام درصد کل زمانی که آن متغیر در کل زمان رخ می دهد. همچنین قابل ذکر است، پژوهشگر برای اطمینان از ثبت صحیح در هر بار مشاهده تنها داده های مربوط به یک کد و یا در مواردی یک مقوله را ثبت نمود.

یافته ها

نتایج پژوهش در این بخش طی دو مرحله گزارش شده است. در مرحله اول یافته های مربوط به کدگذاری و مقوله بندی داده های مشاهده شده آمده است. در بخش دوم شاخص های توصیفی مربوط به نمره گذاری کدهای مشاهده شده بیان گردیده است.

مرحله اول: در این مرحله پس از کدگذاری داده‌های مشاهده‌ای، کدها در مقوله‌های معنایی یکسان دسته‌بندی شده و سپس مجموع مقوله‌ها، الگوی رفتاری کلامی و غیرکلامی مادران را تشکیل دادند. الگوها بر اساس تحلیل پژوهش‌گر نام‌گذاری شدند. در جدول ۱ شرح کامل کدها، مقوله‌ها و در نهایت الگوهای رفتار کلامی مادران آمده است.

جدول ۱: الگوها، مقوله‌ها و کدهای رفتارهای کلامی تعامل والد - کودک در مادران ایرانی

الگوی رفتارهای کلامی منفی	
مقوله	کدها
۱. دستوردهی	مادر برای انجام کاری به کودک دستور می‌دهد: الف: دستور دادن به طور مستقیم (مثال: علی بیا لگوها رو جمع کن!) ب: دستور دادن به طور غیر مستقیم (مثال: آقا خرسی! لگوها رو جمع کن تا اتاقت تمیز بشه) ج: تکرار دستور (مثال: معین توپ رو بنداز، بنداز، بنداز دیگه)
۲. درخواست کردن	مادر از کودک درخواست می‌کند تا کاری را برای او انجام دهد: الف: درخواست کردن به طور مستقیم (مثال: معین برام یه چای بریز) ب: درخواست کردن به طور غیرمستقیم (مثال: آقا خرسی، یه غذای خوشمزه برام بپز) ج: درخواست به صورت جملات سؤالی و امری (مثال: می‌تونی برام یه خونه خوشگل بسازی)
۳. مخالفت	مخالفت در برابر چیزی که نادرست و اشتباه نیست.
۴. ایرادگیری	وارد کردن ایراداتی برای چیزی که نادرست و اشتباه نیست.
۵. تذکر	تذکر در برابر چیزی که نادرست و اشتباه است (با لحنی آرام).
۶. سرزنش	سرزنش در برابر چیزی که نادرست و اشتباه است (با لحنی تند).
الگوی رفتارهای کلامی مثبت	
مقوله‌ها	کدها
۱. گسترش تجارب کودک	الف: پیوند دادن تجارب کودک با تجارب گذشته‌اش ب: پیوند دادن تجارب کودک به واقعیت‌هایی از زندگی او ج: خواندن شعر و یا گفتن قصه مرتبط به بازی کودک
۲. نامیدن و توصیف	الف: توصیف و نام‌گذاری بازی کودک ب: توصیف فضای بازی کودک د: توصیف اسباب‌بازی‌ها و طرز کارکردن آنها
۳. تحسین	الف: تحسین آن‌چه کودک به طور واقع انجام داده است. (مثال: آفرین چه خونه قشنگی با لگوها ساختی) ب: تحسین آن‌چه کودک به طور واقع انجام نداده است. (مثال: به به چه غذای خوشمزه ای درست کردی) د: کاربرد کلمات غیر تحسینی اما با بار معنایی تحسینی (اوه چه شوتی می زنه پسرم)
۴. احترام و تشکر	الف: کلمات تشکرآمیز (ممنون، لطفاً.....) ب: مورد خطاب دادن کودک با ضمیر شما ج: مورد خطاب قرار دادن کودک با لفظ آقا یا خانم
۵. محبت کلامی	الف: کلمات با بار معنایی دوست داشتن (عزیزم، عشقم، قربونت برم) ب: کاربرد کلمه جان در انتهای نام کودک (آرمیتا جان) ج: جملاتی برای بیان اهمیت سلامت کودک (مواظب دستت باش، خسته نشی مامان)
الگوی رفتارهای کلامی تسهیل‌گرانه	
مقوله‌ها	کدها

ادامه جدول ۱

الف: پرسیدن سؤال از کودک برای ارائه پیشنهاد به کودک (مثال: می‌خواهی اول لگوهای سبز رو بذاری) ب: پرسیدن سؤال از کودک برای جویا شدن نظر کودک (مثال: از این بازی خوشت میاد) ج: پرسیدن سؤال از کودک برای محک توانایی و اطلاعات کودک (بازشناسی رنگ، شمردن، اندازه‌ها، لغات انگلیسی) (مثال: توپ به انگلیسی چی میشه؟) د: پرسیدن سؤال از کودک برای به جریان انداختن بازی و درگیر شدن در فضای بازی	۱. سؤال پرسیدن
راهنمایی و رهنمود دادن برای انجام دادن کارهای مختلف	۲. رهنمود و راهنمایی
الف: موافقت و کوتاه آمدن در برابر درخواست‌های کودک ب: موافقت و کوتاه آمدن در برابر دستورات کودک ج: کوتاه آمدن مادر در برابر کودک	۳. توافقی و اطاعت
الف: تکمیل جملات ناتمام کودک ب: کمک و همراهی برای شکل‌گیری و ادامه یافتن بازی یا داستان کودک ج: فضا را برای بازی کودک آماده کردن (مثل مرتب کردن اسباب‌بازی‌ها)	۴. کمک و همراهی

در جدول ۲ شرح کامل کدها، مقوله‌ها و در نهایت الگوهای رفتارهای غیر کلامی مادران آمده است.

جدول ۲: الگوها، مقوله‌ها و کدهای رفتارهای غیر کلامی تعامل مادر - کودک در مادران ایرانی

الگوی رفتارهای غیر کلامی ارتباطی	
مقوله	کدها
۱. نگاه و برقراری تماس چشمی	برقراری هرگونه نگاه و تماس چشمی مادر با کودک در فواصل زمانی ۳۰ ثانیه‌ای. انواع نگاه‌های مادران با بار معنایی متفاوت: الف: نگاه تعجب آمیز مادر ب: نگاه پرسشگرانه ج: نگاه تذکر یا سرزنش آمیز د: نگاه تحسین آمیز (بدون هیچ واکنش کلامی) ه: نگاه محبت آمیز
۲. توجه و گوش دادن	توجه و گوش دادن به کودک در فواصل زمانی ۳۰ ثانیه‌ای، در صورت وجود صحبت و مکالمه کودک الف: گوش دادن فعال همراه با تماس چشمی با کودک ب: واکنش به صحبت کودک با تکان دادن سر و گفتن کلمات تأییدی (آهان، خوب) ج: سؤال پرسیدن از گفته‌های کودک د: تکرار و انعکاس گفته‌های کودک
۳. تماس چهره به چهره	قرار گرفتن حالت بدنی مادر و کودک در مقابل یکدیگر به گونه‌ای که چهره کامل مادر در مقابل چشمان کودک باشد در طی فاصله زمانی ۶۰ ثانیه‌ای.
الگوی رفتارهای غیر کلامی مثبت	
۱. محبت فیزیکی	الف: نوازش کردن کودک ب: در آغوش گرفتن ج: بوسیدن د: تماس بدنی (مرتب کردن مو و لباس کودک یا تمیز کردن صورت کودک)
الگوی رفتارهای غیر کلامی منفی	
۱. تذکر غیر کلامی	الف: گزیدن لب ب: صدای نچ نچ ج: به کودک ضربه زدن

مرحله دوم: در این قسمت شاخص‌های توصیفی نمره‌گذاری مجموع الگوی رفتاری و هم‌چنین شاخص‌های توصیفی هر یک از مقوله‌های الگوها بیان گردیده است. در جدول ۳ شاخص‌های توصیفی مجموع رفتارهای کلامی مادران آورده شده است.

جدول ۳: شاخص‌های توصیفی الگوی رفتارهای کلامی تعامل مادر - کودک

انحراف استاندارد	میانگین فراوانی مشاهده شده	جمع فراوانی مشاهده شده	تعداد مادران	شاخص مقوله
۱۰/۵۱	۲۳/۴۳	۷۰۳	۳۰	رفتارهای کلامی مثبت
۱۱/۰۱	۳۲/۹۳	۹۸۸	۳۰	رفتارهای کلامی منفی
۱۳/۳۸	۵۶/۰۶°	۱۶۸۲	۳۰	رفتارهای کلامی تسهیل‌گرانه

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، سه الگوی رفتارهای کلامی معرفی شدند که عبارتند از: رفتارهای کلامی مثبت، رفتارهای کلامی منفی و رفتارهای کلامی تسهیل‌گرانه که در میان این سه الگو، رفتارهای کلامی تسهیل‌گرانه با میانگین ۵۶/۰۶ و انحراف استاندارد ۱۳/۳۸ بیشترین فراوانی مشاهده شده را به خود اختصاص داده است. میانگین رفتارهای کلامی منفی (۳۲/۹۳) و رفتارهای کلامی مثبت (۲۳/۴۳) به ترتیب در مرتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

جدول ۴: شاخص‌های توصیفی مقوله‌های الگوی رفتارهای کلامی تعامل والد - کودک

در مادران در ۲۰ دقیقه بازی مادر و کودک

انحراف استاندارد	میانگین فراوانی مشاهده شده	جمع فراوانی مشاهده شده	تعداد مادران	شاخص مقوله
رفتارهای کلامی مثبت				
۲/۹۲	۳/۸	۱۱۵	۳۰	گسترش تجارب کودک
۲/۳۷	۵/۰۶	۱۵۲	۳۰	توصیف و نامیدن
۳/۸	۵/۷°	۱۷۳	۳۰	تحسین و تأیید
۳/۶	۵/۲	۱۵۶	۳۰	احترام و تشکر کردن
۴/۱۷	۳/۵	۱۰۷	۳۰	محبت کلامی
رفتارهای کلامی منفی				
۶/۴	۱۶°	۴۸۰	۳۰	دستوردهی مادر
۲/۴۱	۴/۴	۱۳۴	۳۰	درخواست کردن مادر
۱/۹	۱/۶	۴۸	۳۰	مخالفت مادر از کودک
۲/۱۵	۳/۷	۱۱۱	۳۰	ایرادگیری
۳	۵/۹	۱۷۷	۳۰	تذکر
۱/۴	۱/۲۶	۳۸	۳۰	سرزنش
رفتارهای کلامی تسهیل‌گرانه				
۵/۵	۹/۹	۲۹۸	۳۰	توافق و اطاعت
۵/۱	۱۰/۹	۳۲۷	۳۰	کمک و همراهی
۳/۷۱	۸/۸	۲۶۴	۳۰	رهنمود و راهنمایی
۱۱/۴۶	۲۶/۴۶°	۷۹۳	۳۰	سؤال کردن (پیشنهاد دادن، نظرخواهی و محک اطلاعات کودک)

در ادامه شاخص‌های توصیفی مقوله‌های هر یک از الگوی رفتارهای کلامی در جدول ۴ آمده است.

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، تحسین و تأیید در میان رفتارهای کلامی مثبت با میانگین ۵/۷ و انحراف استاندارد ۳/۸، دستوردهی در میان رفتارهای کلامی منفی با میانگین ۱۶ و انحراف استاندارد ۶/۴ و سؤال کردن با میانگین ۲۶/۴۶ با انحراف استاندارد ۱۱/۴۶ بیشترین میزان فراوانی مشاهده شده را به خود اختصاص دادند. نمودارها در این بخش حذف شده است. در جداول ۵ و ۶ شاخص‌های توصیفی مجموع رفتارهای غیرکلامی مادران آورده شده است. البته قابل ذکر است به دلیل تفاوت روش‌های ثبت رفتارهای غیرکلامی، نتایج حاصل از آن‌ها در دو جدول جداگانه آورده شده است.

جدول ۵: شاخص‌های توصیفی مقوله‌های الگوی رفتارهای غیرکلامی تعامل مادر - کودک

مقوله	شاخص	تعداد آزمودنی‌ها	جمع فراوانی مشاهده شده	میانگین فراوانی مشاهده شده	انحراف استاندارد
رفتارهای غیرکلامی مثبت					
محبت فیزیکی (بوسیدن، در آغوش کشیدن و نوازش کردن)		۳۰	۱۳	۰/۴۳	۰/۵۰
رفتارهای غیرکلامی منفی					
تذکر یا سرزنش غیرکلامی (گزیدن لب و....)		۳۰	۳۲	۱/۰۶°	۰/۹۹

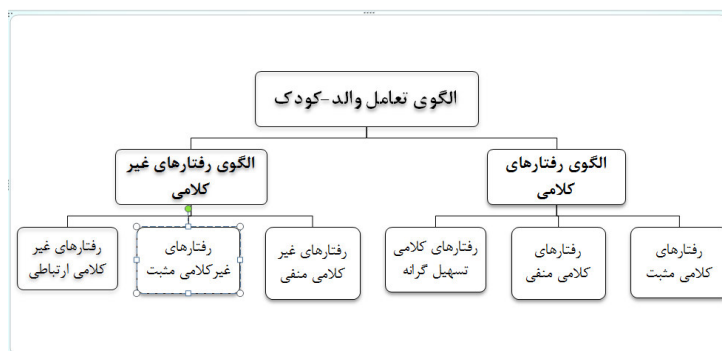
جدول ۶: شاخص‌های توصیفی مقوله‌های رفتارهای غیرکلامی ارتباطی تعامل مادر-کودک

مقوله	شاخص	تعداد آزمودنی‌ها	میانگین درصدهای کل زمان مشاهده شده
رفتارهای غیرکلامی ارتباطی			
نگاه و برقراری تماس چشمی		۳۰	۶۰٪
توجه و گوش دادن		۳۰	۴۲/۱٪
تماس چهره به چهره		۳۰	۵۷٪

همان‌طور که در جداول ۵ و ۶ مشاهده می‌شود سه الگوی رفتارهای غیرکلامی عبارتند از: رفتارهای غیرکلامی مثبت، رفتارهای غیرکلامی منفی و رفتارهای غیرکلامی ارتباطی. رفتار تذکر غیرکلامی با میانگین ۱/۰۶ و انحراف استاندارد ۰/۹۹ نسبت به رفتار محبت فیزیکی بیشتر مشاهده شده است. هرچند فراوانی هر دو رفتار بسیار پایین است. در بررسی رفتاری غیرکلامی ارتباطی مشخص شد که مادران طی ۲۰ دقیقه بازی ۶۰٪ از کل زمان را با کودک خود تماس چشمی برقرار کردند و ۴۲/۱٪ از زمان را به حرف‌های کودک خود توجه نشان دادند و گوش دادند و ۵۷٪ از کل زمان را با کودک خود تماس چهره به چهره برقرار کردند. نمودارها حذف شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

از کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌های حاصل از مشاهده بازی مادر و کودک، الگوی‌های رفتاری مادران در تعامل با کودک خود به دست آمد که در شکل ۱ ترسیم شده است.



شکل ۱: الگوی تعامل والد - کودک در مادران ایرانی

همان طور که در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود، از تحلیل داده‌های مشاهده‌ای تعامل والد - کودک در مادران ایرانی مجموعه‌ای از رفتارهایی مشاهده شد که در ارتباط با هم سه الگوی رفتاری مجزا استخراج شد که عبارتند از: رفتارهای کلامی مثبت، رفتارهای کلامی منفی و رفتارهای کلامی تسهیل‌گرانه که در مجموع الگوی رفتارهای کلامی را تشکیل داده‌اند. همچنین رفتارهای غیر کلامی منفی، رفتارهای غیر کلامی مثبت و رفتارهای غیر کلامی ارتباطی الگوی رفتارهای غیر کلامی را شامل می‌شوند. نتایج نمره‌گذاری کدهای رفتاری هر الگو نشان داد که رفتارهای غیر کلامی منفی در مجموع الگوی رفتارهای غیر کلامی بیشترین فراوانی را داشت، هرچند میزان کدهای مشاهده شده از رفتارهای غیر کلامی به نسبت رفتارهای کلامی کمتر بود. همچنین رفتارهای کلامی تسهیل‌گرانه در مجموع الگوی رفتارهای کلامی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند که نشان‌دهنده فراوانی زیاد این گونه رفتارها در مادران ایرانی است.

پژوهشگر مجموعه رفتارهایی از قبیل توافق و کوتاه آمدن در برابر خواسته‌های کودک، رهنمود و راهنمایی برای به جریان انداختن بازی کودک، کمک و همراهی کردن کودک و همچنین پرسیدن سؤالاتی برای ارائه پیشنهاد و نظرخواهی از کودک را از این جهت تسهیل‌گرانه نامید، چرا که این رفتارها فضای بازی را برای کودک آسان‌تر می‌کند، بازی را برای کودک به جریان می‌اندازد و از فعالیت ذهنی و بدنی کودک می‌کاهد. برای مثال مادران در چگونگی قرار دادن لگوها در داخل یکدیگر، کودک را راهنمایی می‌کردند و حتی لگوها را به دست کودک می‌دادند یا در فشار دادن آن‌ها در یکدیگر به کودک کمک می‌کردند و حتی زمانی که مسأله‌ای برای کودک پیش می‌آمد، همانند

زمانی که کودک در قرار دادن لگو در داخل یکدیگر ابراز ناتوانایی می‌کند، فوراً مسأله را برای کودک حل می‌کردند. از جهت دیگر این گونه رفتارهای مادران را مداخله‌آمیز نامید، چرا که فضای استقلال، آزادی عمل و خلاقیت کودک را محدود و در جریان هدایت بازی توسط کودک مداخله ایجاد می‌کرد. در واقع مادران به گونه‌ای رفتار می‌کردند که خود را مسئول فضای کودک خود می‌دانستند. با توجه به مشاهده فراوانی زیاد این قبیل رفتارها در مادران، سؤالی که مطرح می‌شود این است که چه چیز باعث این گونه رفتارهای خاص مادران ایرانی شده و چه اثراتی در فرزندپروری آن‌ها خواهد داشت.

مطالعات نشان داده‌اند عوامل گوناگونی بر چگونگی رفتار والدگری اثرگذار است. آکایی^{۲۵} (۲۰۰۵) این عوامل اثرگذار را عواملی چون خصوصیت والد؛ همانند سن، وضعیت روانی، میزان تحصیلات، عوامل وضعیتی در خانه، روابط زناشویی، نگرش‌ها و نظام ارزشی، تصویر مادر از روابط اولیه و عوامل گسترده‌تری چون؛ فرهنگ، منابع و حمایت‌های اجتماعی و شرایط اجتماعی و اقتصادی را شناسایی کرد. پاچتر و هاروود^{۲۶} (به نقل از کاپلان^{۲۷}، ۲۰۱۱؛ ترجمه فیروزبخت) معتقدند دو نیروی عمده اثرگذار بر تعامل و رفتارهای والد - کودک؛ فرهنگ به طور غیرمستقیم و باورها و نظام نگرشی والدین به طور مستقیم می‌باشند. والدین طبق باورها و شناخت‌های خود، حتی بیشتر از آن‌چه احساس‌شان به آن‌ها بگوید، با کودکان‌شان رفتار می‌کنند و الگوی تعاملی خود را با آن‌ها شکل می‌دهند (روبین و چونگ، ۲۰۰۵؛ دارلینگ و استنبرگ، ۱۹۹۳). برای مثال نتایج یک مطالعه بین‌فرهنگی که در خصوص مادران استرالیایی و ژاپنی درباره کودک ایده‌آل و نیز نحوه تعامل‌شان با فرزندان‌شان انجام شد، نشان داد که باور مادران استرالیایی از یک کودک ایده‌آل، کودکی خلاق و باهوش است، در حالی که باور مادران ژاپنی، کودکی مودب و دارای مهارت‌های اجتماعی است. در نتیجه مادران استرالیایی در تعامل با فرزندان‌شان، آزادی بیشتری را در اختیار آن‌ها می‌گذارند، اما مادران ژاپنی رهنمودی‌تر رفتار می‌کنند (روبین و چونگ، ۲۰۰۵). بنابراین والدین در جوامع مختلف بر مبنای باورهای گوناگون خود که ریشه در فرهنگ‌شان دارد، در چگونگی رفتار با کودکان‌شان، چگونگی تربیت آن‌ها و این‌که کدام یک از رفتار آن‌ها را تأکید و کدام یک را محدود کنند، متفاوت هستند (برونستین، هاینس، آزوما، گالپرین، مایتال و همکاران^{۲۸}، ۱۹۹۸).

اریکسون^{۲۹} (به نقل از کرین^{۳۰}، ۲۰۱۱؛ ترجمه خویی‌نژاد و رجایی) از روان‌شناسان مشهور رشد، نشان داد که چگونه والدین در فرهنگ‌های مختلف مطابق با نظام ارزشی متفاوت خویش، مراحل رشد کودکان را به صورت گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای مثال، در لاکوتا والدین برای کودکان‌شان دوره طولانی و سهل‌گیرانه‌ای از مراقبت را فراهم می‌آورند؛ چرا که بر این باور هستند که کودکان‌شان به دیگران اعتماد کنند و بخشنده بار بیایند. در مقابل، در جامعه آمریکایی والدین وابستگی را تقبیح می‌کنند، کودکان‌شان را زودتر از شیر می‌گیرند؛ چرا که نمی‌خواهند کودکان‌شان

یاد بگیرند که به دیگران اعتماد کنند و به آن‌ها متکی باشند، بلکه می‌خواهند آن‌ها مستقل بار بیایند. بنابراین اعمال و رفتارهای تربیتی والدین نیز تحت تأثیر آموزه‌هایی که از فرهنگ‌شان درونی کرده‌اند یا سیستم باوری و نگرشی خود را براساس آن شکل داده‌اند، قرار می‌گیرند (بارتکوسکی و همکاران، ۲۰۰۸). اما چه باورهایی می‌تواند رفتارهای والدگری مادران ایرانی را هدایت کند. بر این اساس زارع^{۳۱} (۱۳۹۲) در پژوهش خود باور بنیادین فراگیر در مادران ایرانی را شناسایی کرد که این باورها عبارتند از شش باور عمقی والدگری؛ اهمیت دیگری و جمع‌گرایی، فردیت‌طلبی و آزادی‌خواهی، احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن، برتری‌جویی، انحصارطلبی و ترس از دست دادن و پدر به عنوان اسطوره‌ای قدرتمند که باور عمقی احساس مسئولیت مادرانه و عذاب وجدان در قبال آن، در میان سایر باورها فراگیرتر بود. این باور می‌تواند رفتارهای مسئولانه در مادران ایرانی را سبب شود؛ رفتارهای تسهیل‌گرانه‌ای که جریان بازی را برای کودک هموارتر و از فعالیت ذهنی و عملی کودک می‌کاهد و در نتیجه استقلال و آزادی عمل کودک را محدود می‌کند.

برونستین و همکاران (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای چگونگی درگیری در تکالیف فرزندان در مادران ۷ کشور (آرژانتین، بلژیک، فرانسه، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن و ایالات متحده) را با یکدیگر مقایسه کردند که نتیجه یافته‌های آن‌ها بیانگر آن است که مادران ژاپنی نسبت به مادران آمریکایی بسیار حساس‌تر هستند و بیشتر نیازهای کودکان‌شان را پیش‌بینی می‌کنند، کودکان خود را وابسته‌تر پرورش می‌دهند، کودکان خود را نزدیک‌تر به خود نگهداری می‌کنند، ساعات بیشتری را با کودکان خود سپری می‌کنند، در حالی که در آمریکا حساسیت مادر اساس کشف و جست‌وجوگری را در کودکان پایه‌ریزی می‌کند، در صورتی که در ژاپن حساسیت مادری اساس اجتناب از تنیدگی در کودکان و نزدیکی عاطفی را پی‌ریزی می‌کند. براساس این پژوهش تعامل مادران ایرانی با کودکان خود به مادران ژاپنی نزدیک‌تر است.

در مطالعه‌ای دیگر آود (۲۰۰۹) تعامل والد - کودک در بین والدین چینی و بریتانیایی را مقایسه کرد؛ نتیجه مطالعه عوامل متفاوتی را در هر دو فرهنگ نشان داد، بدین شکل که مادران چینی توجه مستقیم بیشتری به فرزندان خود داشتند، در حالی که مادران بریتانیایی اجازه رهبری بیشتری را به کودک خود می‌دادند، در دستکاری اشیاء، مادران چینی بدین گونه عمل کردند که کودک در صورتی می‌تواند به شیء دست بزند که شیء در دست آن‌ها است، در حالی که این اتفاق کمتر در مورد مادران انگلیسی به وقوع پیوست، در مورد سوم مادران چینی بیشتر به کودکان‌شان دستورات رفتاری می‌دادند یا از کودک می‌خواستند برای انجام کاری به شیوه خاصی عمل کنند. در این مطالعه نیز تعامل مادران ایرانی به مادران چینی نزدیک‌تر است.

در پژوهشی دیگر، برونستین و همکاران (به نقل از روبین و چونگ، ۲۰۰۵) تعامل طبیعی مادر - کودک هنگام غذا دادن به کودک در بین مادران اروپایی - آمریکایی و مادران لاتینی مشاهده کردند،

مادران اروپایی پیشنهادات را بیشتر از دستورات استفاده می‌کردند و به طور کلی معانی غیرمستقیم را برای ساختاردهی به کار می‌بردند، اما مادران لاتینی بیشتر معانی مستقیم همانند دستورات را مورد استفاده قرار دادند. هم‌چنین مادران آمریکایی - اروپایی استقلال را در کودکان‌شان پرورش دادند، برای مثال در تعامل طبیعی مادر - کودک هنگام غذا دادن، مادران اروپایی - آمریکایی کودکان خود را در ۸ ماهگی به تنهایی غذا خوردن تشویق می‌کردند. در مقابل مادران لاتین هنگام غذا خوردن کودکان را در نزدیکی خود نگه می‌داشتند و دائماً غذا خوردن آن‌ها را از ابتدا تا انتها کنترل می‌کردند. در مادران ایرانی نیز همانند مادران لاتینی رفتارهای کنترل‌گری و وابستگی مشاهده شد. در نتیجه پژوهش‌هایی که در بالا ذکر شد، رفتار والدگری مادران ایرانی به فرهنگ‌های ژاپنی، چینی و لاتینی شباهت بیشتری نسبت به مادران آمریکایی، بریتانیایی و استرالیایی دارد.

هم‌چنین نتایج تحلیل داده‌های مشاهده نشان داد که محبت فیزیکی در مادران ایرانی بسیار پایین بود که شاید گاهی والدین آنقدر درگیر رشد عقلی فرزند خود می‌شوند که نیازهای اساسی‌تر از قبیل نیاز به لمس شدن او را نادیده می‌گیرند (شکوهی‌یکتا^{۳۲}، ۱۳۹۰). البته امکان دارد که محبت فیزیکی مادر به کودک همانند در آغوش گرفتن و بوسیدن کودک، محدوده خصوصی تعامل است که وجود دوربین فیلم‌برداری مانع از آن شده است. تحلیل رفتارهای غیرکلامی ارتباطی مادران نشان داد که مادران از مهارت‌های ارتباطی نسبتاً خوبی برخوردارند، میانگین‌های به دست آمده درصد‌های متوسطی را نشان می‌دهد که نه آنقدر پایین است که به نادیده گرفتن کودک منجر شود و نه آنقدر بالاست که فضای استقلال کودک را محدود کند. البته نکته قابل توجه دیگر در تحلیل رفتارهای غیرکلامی این بود که تماس چشمی و نگاه مادران به کودک، بار معنایی متفاوتی دارد؛ برای مثال گاهی مادران برای تحسین کردن به کودک نگاه می‌کنند و گاهی نگاه پرسش‌گرانه دارند و هم‌چنین گاهی نگاه تعجب‌آمیز یا نگاه سرزنش‌آمیز که هر کدام معانی و کارکرد خود را داراست. در هر حال آگاهی یافتن از ویژگی‌های خاص رفتاری و نگرشی والدین ایرانی برای جامعه امروز ایران حائز اهمیت است. از آن‌جا که اغلب پژوهش‌ها و نظریه‌ها در حوزه خانواده و کودک روی والدین و کودکان طبقه متوسط کشورهای غربی پایه‌گذاری شده‌اند، نیازمند بررسی در میان مردم سایر کشورها نیز هستند (رو و کاسیلاس^{۳۳}، ۲۰۱۰).

به علاوه، گروه‌های مختلف نژادی و قومی هویت‌های منحصر به فردی را ادعا می‌کنند. اما مطالعاتی که بر مبنای مقیاس‌های کشورهای غربی توسعه یافته‌اند، ویژگی‌های متفاوتی که در کشورهای دیگر موجود است را در نظر نگرفته‌اند (ویژ^{۳۴} و همکاران، به نقل از برک^{۳۵}، ۲۰۰۸؛ ترجمه محمدی)، به خصوص با توجه به درآمیختگی فرهنگ ایران به مذهب، والدین و فرزندان ایرانی ویژگی‌ها و هویت‌های متمایزی از آن‌چه پژوهش‌ها و نظریه‌های غربی منتشر ساخته‌اند را دارا هستند. هم‌چنین برای دانشجویان ایرانی که در دانشگاه‌ها اغلب دروس ترجمه شده را می‌گذرانند،

آشنایی با ویژگی‌های معنایی و رفتاری خاص والدین ایرانی ضروری است. از طرف دیگر آنچه انجام چنین پژوهش‌هایی را ضرورت می‌بخشد این است که ارتباط والدگری و فرهنگ دلیل مهمی است از این که چرا افراد در جوامع مختلف از یکدیگر متفاوت هستند (روبین و چونگ، ۲۰۰۵).

به همین منظور جامعه‌شناسان متمایل به روانکاوی معتقدند که تأثیر تجربه‌های دوران کودکی به نوعی است که برخی از جنبه‌های رفتاری به رفتار ثابت یا طبیعت ثانوی جامعه تبدیل می‌شود، یعنی روش‌های تربیتی متداول یک جامعه سبب شکل‌گیری شخصیت کلی جامعه می‌شود یا به عبارت دیگر شخصیت ملی جامعه را می‌سازد (اعزازی^{۳۶}، ۱۳۸۷). به ویژه این که سال‌های پیش‌دبستانی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، از مهم‌ترین دوره‌های رشد محسوب می‌شود، چرا که بسیاری از قابلیت‌های کودک در بزرگسالی در همین دوران پی‌ریزی می‌شود (شرودر و گوردن، ۲۰۰۶؛ ترجمه فیروزبخت). بنابراین پدر و مادر کودک امروز، پدر و مادر یک نسل و یا یک جامعه هستند. به همین دلیل با توجه به اهمیت نقش والدین در شکل‌گیری شخصیت کلی افراد در یک جامعه و نقش بااهمیت فرهنگ در شکل‌گیری والدگری والدین یک جامعه، مطالعه چگونگی اعمال والدگری در همه جوامع ضروری است (روبین و چونگ، ۲۰۰۵).

هرچند اهمیت و ضرورت این امر برای جوامعی هم‌چون ایران که مخاطب روان‌شناسی در پژوهش و درمانگری هستند، دوچندان می‌شود، اما با وجود اختلاط‌های قومی، نژادی، فرهنگی، زبانی و دینی توانسته‌اند هویت ملی و مشترک ایرانی را به وجود آورند. هویتی که شاید فاصله‌ای میان خود و این مهمان ناخوانده یعنی روان‌شناسی خانواده احساس می‌کند. هم‌چنین از طریق چنین مطالعاتی می‌توان با نقاط قوت و ضعف والدگری والدین آشنا شد و در جهت ساخت بسته‌های آموزشی بومی برای ارتقای کیفیت مادر - کودک گام برداشت، بر این اساس قنبری، خداپناهی، مظاهری و لواسانی^{۳۷} (۱۳۹۲) در پژوهش خود دریافتند که آموزش والدین برای افزایش کیفیت مراقبت مادران می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین با انجام چنین مطالعاتی می‌توان با والدگری خاص مادر ایرانی آشنا شد و به نقاط قوت و ضعف والدگری آن‌ها در شکل‌گیری شخصیت‌های آینده ایرانی پی برد و از طرفی دیگر با به کارگیری یافته‌های به دست آمده به بومی‌سازی این علم، هرچند بسیار اندک، کمک کرد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|------------------------------------|--------------------------------|
| 1. McGregor, Powel, Waker, & Himes | 20. Pakdaman |
| 2. Mantymaa | 21. Marshal & Rasman |
| 3. Kuczynski | 22. Hasan Zadeh |
| 4. Bornstein & Cote | 23. Sadeghi, Mazaheri & Motabi |
| 5. Rubin & Chung | 24. Gal, Burg & Gal |
| 6. Zlotnik | 25. Akai |

7. Bartkowski, Xu & Levin
8. Seyed Mousavi, Mazaheri & Ghanbari
9. Rosbam
10. Shroeder & Gorden
11. Daxon & Stedler
12. Awde
13. Vigil & Hwa-Froelich
14. Cohen
15. Darling & Steinberg
16. Gitlin-Weiner, Sangrund & Schaefer
17. Adult Attachment Qestionnaire
18. Moedfar, Agha Mohamadian & Tabatabaie
19. Baldovin
26. Pachter & Harwood
27. Kaplan
28. Bornstein, Haynes, Azuma, Galperin, Maital & et al.
29. Erikson
30. Crain
31. Zare
32. Shokohi Yekta
33. Rowe & Cassillas
34. vjz
35. Berk
36. Ezazi
37. Ghanbari, Khodapanahi, Mazaheri & Lavasani

منابع

- اعزازی، ش. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی خانواده: با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد در دوران معاصر*. تهران: انتشارات روشنگران.
- پاکدامن، ش. (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانان. *مجله علوم روان‌شناختی*، شماره ۴۷، سال ۹، ۲۵-۳.
- حسن‌زاده، ر. (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: نشر ساوالان.
- زارع، ح.، طهماسبیان، ک.، پاکدامن، ش. و داوری، ن. (۱۳۹۲). *باورهای والدگری و الگوی تعامل والد - کودک در مادران ایرانی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- سیدموسوی، پ.، مظاهری، م. و قنبری، س. (۱۳۸۹). بررسی ادراک مادران از ویژگی‌های خوشایند و ناخوشایند مربوط به دلبستگی ایمن و نایمن در کودکان: مطالعه فرهنگی درباره دلبستگی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ششم، شماره ۳۷، ۲۲۱-۱۶۰.
- شکوهی‌یکتا، م. (۱۳۹۰). *رشد کودک*. تهران: انتشارات سپیدبرگ.
- شرودر، ک. و گوردون، ب. ا. (۱۳۸۵). *سنجش و درمان مشکلات دوران کودکی*. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: انتشارات دانژه.
- صادقی، م. ا.، مظاهری، م. ع. و موتابی، ف. (۱۳۸۹). نظام ایرانی کدگذاری مشاهده‌ای از تعاملات دوجانبه زوجین. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ششم، شماره ۲۳، ۳۳۴-۳۱۳.
- قنبری، س.، خداینی، م.، مظاهری، م. و لواسانی، غ. (۱۳۹۲). اثربخشی بسته روش آموزش والدین مبتنی بر نظریه دلبستگی بر افزایش کیفیت مراقبت مادرانه. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال نهم، شماره ۴، ۴۲۶-۴۰۷.
- کاپلان، پ. ا. (۱۳۹۰). *روان‌شناسی رشد، سفر پرماجرایی کودک*. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کرین، و. (۱۳۸۹). *نظریه‌های رشد: مفاهیم و کاربردها*. ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد و علیرضا رجایی. تهران: انتشارات رشد.
- گال، م. د.، بورگ، و. و گال، ج. (۱۳۸۷). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*. ترجمه احمدرضا نصر. تهران: انتشارات سمت.

گیتلین ونر، ک.، ساندگراند، آ. و شافر، چ. (۱۳۸۹). بازی کودکان: تشخیص و ارزیابی. ترجمه الهه محمد اسماعیل و امیر رحمانی رسا. تهران: انتشارات دانژه.
 مؤیدفر، ه.، آقامحمدیان، ح. ر. و طباطبایی، س. م. (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های دلبستگی و عزت نفس اجتماعی. فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، سال سوم، شماره ۱، ۶۱-۷۲.

- Akai, C. E. (2005). *Enhancing parenting during infancy: an intervention project for at-risk mothers*. MSc thesis, University of Notre Dame, India.
- Awde, N. (2009). The influence of culture values on the parent-child interaction patterns of families from an Asian background. *Journal of the arechs*, 6, 1-17.
- Bartkowski, J.P., Xu, X., & Levin, M.L. (2008). Religion & child development: Evidence from the Early Childhood Longitudinal Study. *Social Science Review*, 37, 18-36.
- Berk. L. A. (2008). *Development Through The Lifespan* (Y. S. Mohammadi , Trans.). Tehran: Arasbaran Publication [in Persian].
- Bornstein, M. H. & Cote, L. R. (2001). Mother-Infant Interaction and Acculturation I: Behavioral Comparisons In Japanese American and South American Families. *International Journal of Behavioral development*, 25, 549-563 .
- Bornstein, M. H. & Cote, L. R. (2006). *Acculturation and Paren-Child RelationShip: Measermnt and Development*. London: Lawence erlbam associates.
- Bornstein, M. H. Haynes, O. M. Azuma, H. Galperin, C. Maital, S. & et al. (1998). A cross-national study of self-evaluations and attributions in parenting: Argentina, Belgium, France, Isreal, Italy, Japan, And the United States. *Developmental Psychology*, 34, 662-676.
- Crain, W. (2011). *Theories of development: Concepts and applications* (G. Khoynejad & A. Rajai, Trans.). Tehran: Roshd Publication & Danjeh Publication [in Persian].
- Darling, N. & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.
- Ezazi, S. (2008). [*Family Sociology: With emphasis on Role, Structure and Function of family in Modern Times*]. Tehran: Roshangaran Publication [in Persian].
- Gal, M. D., Burg, W., & Gal, J. (2008). *Quntitative and Qualitiative Research Methods in Psychology* (A. Nasr, Trans.). Tehran: Samt Publication [in Persian].
- Ghanbari, S. Khodapanahi, M. K. Mazaheri, M. A. Lavasani, M. GH. (2013). [The Effectiveness of Attachment based Parent Education on the Improve Quality of maternal Care in the Preschool Anxious children]. *Journal of Family Research*, 36 (9) 407-426 [in Persian].
- Gitlin-Weiner, K., Sangrund, A., & Schaefer, C. (2010). *Play Diagnosis and Assessment* (E. Mohamadesmail & A. Rahmani Rasa, Trans.). Tehran: Danjeh Publication [in Persian].
- Hasan zadeh, R. (2010). [*Research Methods in behaviors sciences*]. Tehran: Savalan Publication [in Persian].
- Kaplan, P. S. (2011). *A Child's Odyssey* (M. Firozbakht, Trans.). Tehran: Rasa Institution [in Persian].
- Kuczynski, L. (2002). *Handbook of Dynamics in Parent-Child Relationship*. Londen: International Educational Profession Publishe.

- Mantymaa, M. (2006). *Early mother-infant interaction*. Md thesis, medical school temer.
- Marshal, K., & Rasman, G. B. (2007). *Qualitative Research Method* (A. Parsaiyan & M. Arabi, Trans.). Tehran: Farhang va Pajohesh Publication [in Persian].
- McGregor, G., Powel, N., Waker, S. P., & Himes, J. H. (1991). Nutritional supplement, psychological stimulation and mental development of stunted children. *Jamaican Study*, 338, 1-5.
- Moedfar, H., Agha Mohamadian, H. R., & Tabatabaie, M. (2007). [The Relationship between Attachment Styles and Social Self-esteem]. *Journal of Psychological Studies*, 3(1) 61-72 [in Persian].
- Pakdaman, S. (2004). [Relationship between Attachment and Sociality in Adolescence]. *Journal of Psychological Science*, 47(3) 3-25 [in Persian].
- Rowe, M. L. & Cassillas, A. (2011). Parental goals and talk with toddlers. *Journal of Infant and Development*, 25(4) 475-494.
- Rubin, K. H. & Chung, O. B. (2005). *Parenting Beliefs, behaviors, and Parent-child Relations*. U.S.A, NJ: Psychology Press.
- Sadeghi, M. Mazaheri, M. A. Motabi, F. (2010). [Coding system Observational from Couple Interaction dyads]. *Journal of family research*, 23(6) 353-372 [in Persian].
- Seyed Mousavi, P., Mazaheri, M. A., & Ghanbari, S. (2010). [Investigating the Perception of Iranian Mothers of Desirable and Undesirable Characteristics with Associated to Secure and Insecure Attachment: A Culture study about Attachment]. *Journal of Family Research*, 6(2) 137-160 [in Persian].
- Shokohi Yekta, M. (2011). [*Child Developmental*]. Tehran: Sepidbarg Publication [in Persian].
- Shroeder, C. S., & Gorden, B. N. (2006). [*Assessment and Treatment of Childhood Problems* (M. Firozbakht, Trans.). Tehran: Danjeh Publication [in Persian].
- Vigil, D. C., & Hwa-Froelich, D. A., (2004). Interaction styles in minority caregivers: Implications for intervention. *Communication Disorders Journal*, 25(3) 119-126.
- Zare, H. (2011). *Parental Beliefs and Parent-Child Interaction Pattern in Iranian's Mothers*. Master thesis, Family Therapy, Shahid Beheshti University [in Persian].